ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد
(با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)

اسماعیل ابونوری*
افسانه قاسمی‌تازه‌آبادی**

تاریخ دریافت: ۸۷/٤/٦ تاریخ تأیید: ۸۷/٦/۲۱

چکیده

همواره اقتصاددانان از نظر اهداف سیاست‌های کلان اقتصادی بر اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها، توزیع درآمد و رشد پایدار اقتصادی تاکید دارند. از این میان توزیع درآمد در جایگاه یکی از هدف‌های مهم سیاست کلان مورد توجه بوده است. در این پژوهش کوشیده شده تا به نقش و اهمیت تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در استان‌های گوناگون کشور پرداخته شود.

برای ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد از داده‌های پانلی (ترکیبی) بین‌استانی استفاده شده است. برای تشخیص نوع مدل، آزمون F لیمر اجرا شده است. از این میان ارزش افزوده قرض‌الحسنه در استان تهران با دیگر استان‌ها تفاوت فراوانی دارد، از دو مدل برای برآورد استفاده شده است: برآورد نخست شامل استان تهران و برآورد دیگر بدون استان تهران.

نتیجه‌های حاصل، حاکی از آن است که فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، با فرض ثابت‌ماندن دیگر عامل‌ها، در اکثر استان‌های کشور اثر کاهشی بر نابرابری توزیع درآمد داشته است. افزایش عملکرد قرض‌الحسنه در ۱۹ استان بر نابرابری اثر کاهشی دارد که در ۱۵ از نظر آماری معنادار است. در برابر، در ۸ استان اثر افزایشی دارد که این اثر فقط در استان‌های اصفهان، زنجان، گلستان، گیلان و مرکزی معنادار است. بررسی علل اثر افزایشی در استان‌های پیش‌گفته نیازمند تحقیق‌های مستقل است.

واژگان کلیدی: *قرض‌الحسنه، توزیع درآمد، داده‌های پانل، استان‌های ایران.*

طبقه‌بندی JEL: D31, C23, C1.

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران. Email: abounoories@ yahoo.com.
** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران.

مقدمه

موضوع توزیع درآمد در ادبیات اقتصادی کشور همواره مورد توجه بوده است. اما به‌رغم گستردگی قابل توجه، از عمق لازم محروم مانده است. بخش اقتصاد سیاسی این موضوع گاه چنان سطحی مانده است که فاصله آن تا شعار غیرقابل تشخیص شده است. در گذشته موضوع تا جایی به شعار نزدیک شد که کاهش توزیع درآمد به آرمان‌خواهی تبدیل و برابری‌خواهی نیز از سوی مخالفان آن به تقسیم تساوی فقر لقب گرفت. برای آنکه بتوان از راه پدیده‌ها و تجربه‌های تاریخی به نتیجه‌گیری‌های علمی دست یافت و از آن در تجربه توسعه اقتصادی کشور بهره جست، راهی جز بهره‌مندی از پژوهش‌های اقتصادی، دستیابی به شکل خاص تفسیر و اجرای آنها در شرایط کشور، به‌دور ماندن از تعصب‌های فکری مکتب‌های اقتصادی و سیاسی و اندازه‌گیری با احتیاط اثرهای خوب و بد سیاست‌ها وجود ندارد.

فاصله‌های فراوان ثروتمند و فقیر در کشورهای در حال توسعه، محیط مساعدی برای رشد اختلاف‌ها و ناباوری نسبت به کارامدی برنامه‌ریزی‌ها و اجرای هدفمند آنها پدید می‌آورد. تشدید این فاصله‌ها می‌تواند به تنش‌های شدید اجتماعی و در نهایت سیاسی بینجامد. بنابراین، برنامه‌های کاهش شکاف درآمدی از حساسیت فراوانی برخوردار بوده و هر پدیده‌ای که باعث جلوگیری از افزایش یا کاهش هر چند ناچیز آن شود، از اهمیت قابل توجه برخوردار است. توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های کم‌درآمد جامعه، ترکیب مصرف تقاضای جامعه را به سمت کالاهای ضرور تغییر می‌دهد و بر اهمیت و سهم آنها از الگوهای مصرف می‌افزاید. واقعیت جهان نشان داده است که فقر و نابرابری، به‌رغم رونق اقتصادی حاصل در کشورهای دارای نظام سرمایه‌داری، کاهش قابل توجهی نیافته است. توزیع درآمد در نظام سرمایه‌ای از یک سو به میزان ثروت موجود در نزد افراد (سرمایه انسانی و فیزیکی) و از سوی دیگر به قیمت بازاری این موهبت بستگی دارد.

وجود بهره در نظام ربوی یکی از علت‌های پیدایش نابرابری است. گرچه سود فعالیت اقتصادی به‌صورت تفاضل درآمد و هزینه، متغیر بوده و در بازار رقابت کامل به صفر میل می‌کند، اما بهره، نرخ ثابت داشته و جزیی از هزینه تمام‌شده شمرده شده و به صاحب سرمایه پرداخت می‌شود. اگر سود منفی باشد، تولیدی صورت نخواهد گرفت و کارگر

اخراج می‌شود، بهره سرمایه به جای خویش باقی است. ربادهنده بدون توجه به سود و زیان، بهره خویش را مطالبه می‌کند. کرویتس (۱۹۹۷) نقش بهره را در پدیدآوردن نابرابری توضیح داده است. در بازار کالاها و خدمات، هر کالا در معرض اتلاف، کهنگی و ناکاراشدن از جهت فن‌آوری قرار دارد، پس احتکار آن مقدور نیست در حالی که صاحب سرمایه مالی، از این خطر مصون است؛ می‌توان پول را به راحتی احتکار کرد و برای کسب بیشترین سود صبر کرد. به همین سبب، بازار سرمایه در هیچ زمانی اشباع نمی‌شود و در آن کمبود عرضه مصنوعی پول وجود خواهد داشت. یکی از علل مثبت‌بودن نرخ بهره در دنیا در همین نکته نهفته است. بهره مرکب پذیرفته شده در نظام سرمایه‌ای سبب می‌شود که سهم صاحبان سرمایه از تولید رو به افزایش رود. اگر نرخ بهره مرکب ۵ درصد باشد، با فرض ثابت‌ماندن دیگر عامل‌ها، در ١٤ سال اصل سرمایه دو برابر می‌شود. نرخ بهره ۱۲ درصدی پس از ۵۰ سال سرمایه اولیه را ۲۹۰ برابر می‌کند! اگر تولید اجتماعی با نسبتی ثابت بین کار و سرمایه تقسیم شود و قیمت سرمایه یعنی نرخ بهره با رشد اقتصاد برابر باشد، توزیع به نفع سرمایه آسیب نخواهد یافت (گرچه عدم نگرانی ناشی از عدم خطرپذیری به جای خویش باقی است). اگر تراکم سرمایه سریع‌تر از رشد اقتصادی شود، نسبت تقسیم درآمد بین کار و سرمایه به نفع سرمایه‌دار تغییر خواهد کرد (کرویتس، ۱۹۹۷). کرویتس از وضع اقتصادی آلمان در قرن ۱۲ تا ١٤ میلادی یاد می‌کند که امکان احتکار پول رایج به‌علت سرعت جابجایی وجود نداشت، و در زمان تعویض در دست هر کسی که بود مالیات سنگین از آن گرفته می‌شد. وی نشان داد که چگونه جریان سریع پول و تمایل به دادن قرض‌الحسنه، شکوفایی اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را در مناطق تحت آن روش به دنبال داشت. براساس مفهوم‌های پیش‌گفته می‌توان فرضیه «افزایش ارزش افزوده (گسترش و عملکرد) قرض‌الحسنه در ایران باعث کاهش (جلوگیری از افزایش) نابرابری در اقتصاد می‌شود» را مطرح ساخت. برای آزمون این فرضیه از اطلاعات ترکیبی (مقطعی ـ سری زمانی) میان استانی در ایران استفاده شده است.

قرض در واژه‌نامه یعنی قطع‌کردن و بریدن است. از این‌رو در زبان عربی به قیچی که برنده است، مقراض گفته‌اند (سعدی، ١٤٠٨؛ معین، ١٣٦٠؛ سیاح، ١٣٦٥).

مطابق ماده ٦٤٨ قانون مدنی، قرض عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین مقدار

معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد کند و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم الرد را بدهد (امامی، ۱۳۵۵).

معادل عربی ترکیب قرض‌الحسنه، قرض‌الحسن است. چنان‌که برخی از کتاب‌های لغت نیز به آن تصریح کرده‌اند (جر، ۱۳۷٦) و مقصود از قرض‌الحسن آن است که از مال حلال بوده و منت، اذیت و ربا را به دنبال نداشته باشد (مصری، ۱۹٤۸). اما مقصود از قرض‌الحسنه دادن، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرف خدا داده شود (نهان) و می‌توان گفت که همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی، قرض‌الحسنه‌ای هستند که در راه خدا داده می‌شود و در برابر، پاداش وجود خواهد داشت (قریشی، ۱۳۵۳).

از این‌رو در این نوشتار مقصود از قرض‌الحسنه، قرض واقعی شرعی و غیرربوی است که گاهی به‌صورت مطلق ـ قرض ـ آمده و در برخی موارد وصف «الحسنه» به آن اضافه شده است و هر گاه مقصود غیر آن باشد به‌صورت روشن، مقید خواهد شد؛ مانند قرض ربوی. البته باید توجه داشت که نگاه به قرض‌الحسنه به‌عنوان رفتار اقتصادی، بر خواسته از انگیزه‌های ایمان، ایثار، گذشت و نوع‌دوستی است. بنابراین هدف اصلی مقاله، ارزیابی رابطه بین توزیع درآمد و ارزش افزوده قرض‌الحسنه در ایران به تفکیک استان‌های کشور است.

مروری بر ادبیات موضوع تحقیق

عدالت اساس ادیان الاهی، به‌ویژه اسلام و شیعه تلقی می‌شود، این مکتب سرچشمه مشکل‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را توزیع ناعادلانه معرفی می‌کند؛ یعنی عدم توزیع برابر بین برابرها. البته تشخیص انسان‌های برابر در جهان پیچیده، کاری ساده نیست.

ظهور و بروز هر رفتار، از جمله رفتارهای اقتصادی، از انگیزه‌های درونی انسان‌ها ناشی است و جایگاه هر رفتار در مقایسه با دیگر رفتارها آشکار می‌شود. از این‌رو برای تبیین قرض‌الحسنه، می‌توان رفتارهای اقتصادی مورد نظر را از دیدگاه عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان وجوه به‌صورت مستقل بررسی کرد.

أ. از دید عرضه‌کنندگان وجوه و سرمایه، رفتارهای اقتصادی را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد: نخست، رفتارهایی که با انگیزه سود مادی ابراز می‌شود، شامل بیع (خرید و فروش)، اجاره، مشارکت و مضاربه. گروه دیگر، رفتارهایی که ایثار (و سود معنوی) عامل

اصلی تحقق آن است، مانند انفاق، صدقه، وقف، هبه، عاریه و قرض‌الحسنه.

قرض‌الحسنه با رفتارهای اقتصادی نوع نخست، از دید عرضه‌کننده، تفاوت جوهری دارد. چون در بیع، مالی با مال دیگر مبادله می‌شود و هر طرف می‌کوشد تا مالی را که به‌دست می‌آورد ـ دست‌کم در نظر و مطلوبیت خاص خودش ـ از آنچه از دست می‌دهد با ارزش‌تر باشد. قرض‌الحسنه با مشارکت، مضاربه و مانند آنها نیز فرق جوهری و ذاتی دارد. انگیزه اصلی در همه این قراردادها بهره‌مندی از سود بیشتر (دست‌کم در نظر طرفین قرارداد) است. اما در قرض‌الحسنه هیچ شائبه‌ای برای برخورداری از سود (مادی) وجود ندارد.

در مقایسه قرض‌الحسنه با قراردادهای نوع دوم می‌توان گفت که عرضه‌کننده صدقه و انفاق نه‌تنها منتظر برخورداری از سود مادی نیست، بلکه از اصل نیز، در راه ارزش‌ها و باورهای خویش صرف‌نظر می‌کند. این رفتار باعث رفع نیازهای بخش مهمی از نیازمندان جامعه می‌شود. میزان تحقق این رفتار تابعی از حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در آن جامعه است. عاریه نیز رفتاری شبیه قرض‌الحسنه است که «به موجب آن یکی از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال به‌صورت رایگان منتفع شود» (ق.م: ماده ٦٣٥). اما تملیکی‌بودن قرض‌الحسنه آن را به کلی از مفهوم عاریه دور ساخته است. چون در قرض‌الحسنه ملکیت منتقل می‌شود و مقترض باید مثل یا قیمت آن را در پایان وقت مقرّر بازگرداند. در عاریه مال به عاریه‌گیرنده تسلیم می‌شود تا از آن منتفع شود و در وقت مقرّر عین آن را پس دهد.

ب. از دیدگاه تقاضاکنندگان وجوه، می‌توان آنها را در سه گروه کلی خلاصه کرد: نخست، کسانی که افزون بر اصل پول، توانایی بازپرداخت سهمی از سود حاصله را نیز دارند. گروه دوم، کسانی که فقط توانایی بازپرداخت اصل پول را دارند. گروه سوم، کسانی که نه‌تنها توانایی بازپرداخت سود را ندارند، بلکه از توانایی کافی از پرداخت اصل پول نیز برخوردار نیستند.

در نظام اقتصادی اسلام با شناخت وجود این سه گروه، رفتارهای مناسب در تعامل با آنها اندیشیده شده است. گروه نخست برای سرمایه‌گذاری‌های متوسط و بزرگ به سوی مشارکت، مضاربه و مانند آنها تشویق شده‌اند. گروه دوم که اغلب برای رفع نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری‌های کوچک تولیدی و خدماتی به این تسهیلات نیازمندند، به

سوی قرض‌الحسنه هدایت شده‌اند. برای مقاضیان گروه سوم، انفاق‌های واجب (زکـات) و مستحب (صدقه‌های مستحب) تشریع و تأکید شده است.

بنابراین تفاوت قرض‌الحسنه با رفتارهای گروه نخست (مشارکت، مضاربه و ...) از ایـن دید نیز تفاوتی جوهری و ذاتی است. در واقع قرض‌الحسنه به رفع نیازهای تسهیلاتی گروه نخست ناظر نیست و با شفافیت اطلاعات و تقیّد هر چه بیشتر متقاضیان به احکام اسلامی، به‌طور عملی این گروه در زمره متقاضیان قرض‌الحسنه قـرار نخواهنـد گرفـت و در نتیجـه بخش عظیمی از متقاضیان موجود قرض‌الحسنه کاسته خواهد شد.

با تقویت باورها و شفاف‌شدن اطلاعات و حتی توجه بیـشتر بـه کرامـت‌هـای انـسانی می‌توان، متقاضیان واقعـی انـواع تـسهیلات را از هـم بازشـناخت و بـه سـوی مـشارکت، قرض‌الحسنه یا انفاق هدایت کرد.

عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان تسهیلات به‌صـورت قـرض‌الحـسنه بیـشتر از صـدقه و انفاق هستند. عرضه‌کننده می‌داند، مثل آنچه را که وام داده به وی برخواهـد گـشت و نیـاز تقاضاکننده نیز بدون احساس بار ترحّم رفع می‌شود.

صندوق قرض‌الحسنه نهاد فرهنگی است که براساس مساعدت و کمـک بـه نیازمنـدان شکل می‌گیرد و نهاد غیرانتفاعی به معنای واقعی است که بنیان‌گـذاران آن عـده‌ای از افـراد خیّر هستند. فعالیت در هیئت امنای صندوق‌ها افتخاری بوده و اعضای آن حق برداشت یـا تخصیص هیچ‌گونه سودی را ندارند. در برابر، بانک بنگاه اقتصادی است که براساس چرخه اقتصادی و اصل سوددهی اداره می‌شـود. بانـک‌هـا بـه سـپرده‌هـا سـود داده و در برابـر از گیرندگان اعتبار (وام) افزون بر کارمزد، سـود یـا بهـره دریافـت مـی‌کننـد بنـابراین اصـول اقتصادی را در هر حال رعایت می‌کنند.

قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که می‌تواند سـهم مـؤثری در تـامین هـدف‌هـای اقتصادی کشورهای اسلامی داشته باشد. چون در جامعه اسلامی وام‌دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض‌الحسنه اختـصاص مـی‌دهـد، انتظـار مـی‌رود کـه اسـتمرار و گسترش آن باعث شود که در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد افراد کوشا با رضایت جهت یاری در اختیار شهروندان نیازمندان قرار گیرد. قرض‌الحسنه نوعی بازتوزیع اختیاری درآمد است. توزیع مناسب درآمدها باعث ثبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و زمینـه‌سـاز

بستری مناسب برای برنامه‌ریزی باثبات و هدفمند اقتصادی است. در این جهت، اثر نهاد قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد شامل ویژگی‌های ذیل است (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸):

أ. قرض‌الحسنه برخلاف مالیات‌ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود. بنابراین، تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اقتصادی‌ـ اجتماعی به وجود برنامه‌های مناسب در چارچوب بودجه‌های عمومی منوط نیست؛

ب. قرض‌الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام، هماهنگی دارد. در این جهت با احترام کامل به مالکیت خصوصی، اعطاکننده وجوه خود را با آزادی و انتخاب در اختیار دیگران قرار می‌دهد و از این عمل کسب مطلوبیت می‌کند؛

ج. در اثر اختصاص مبلغ به خرید کالاهای ضرور و اساسی زمینه رشد تولید کالاهای ضرور و اشتغال فراهم می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که قرض‌الحسنه، الگوی تولید را متناسب با نیاز واقعی جامعه‌های توسعه‌نیافته جهت دهد؛

د. قرض‌الحسنه شاخص‌های توزیع مطلوب را داراست. چون: ۱. انگیزه‌های کوشش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی‌برد؛ ۲. قرض‌الحسنه پس از اعمال سازوکار قیمت‌ها در محدوده تولیدهای مباح مطرح می‌شود، بنابراین مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌شود؛ ۳. چون رفع نیاز یکی از ارکان شکل‌گیری قرض‌الحسنه است، بنابراین، در کاهش نگرانی و افزایش امید به زندگی اثربخش بوده و کوشش بیشتر را در زندگی روزانه جامعه باعث می‌شود.

هـ به جهت سازوکار بازار، قرض‌الحسنه تولیدی شرایطی را پدید می‌آورد که سهم بیشتری نصیب افراد کوشا اما بدون سرمایه از ارزش تولید شود، در نتیجه، تزریق درآمد در دهک‌های پایین‌تر فراهم می‌شود. اثر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد را در دو نگرش می‌توان توضیح داد:

در نگرش خرد، اگر فرد در آغاز دوره نخست برای رفع نیاز ضرور خود وام نگیرد، باید اندک اندک پس‌انداز کند و در انتهای این دوره نیازش را رفع کند. پس در واقع، بدون قرض، به اندازه طول زمان کسب درآمد از امکان مصرفش کاسته می‌شود. اگر قرض بگیرد، می‌تواند از آغاز همان دوره نخست بر درآمد قابل تصرف و در نتیجه مصرف خود بیفزاید. گرچه وی باید با اختصاص تدریجی پس‌انداز، وام را در پایان دوره پرداخت کند. بنابراین،

با نگرش خرد، قرض‌الحسنه زمان برخورداری از درآمد و مصرف در طول دوران زندگی را افزایش می‌دهد.

در نگرش کلان باید به روش قرض توجه کرد، چون صندوق تعاون به‌طور معمول در میان افرادی با سطح درآمدهای به‌طور تقریبی یکسان شکل می‌گیرد، اثر آن افقی است. این نظام سبب می‌شود، درآمدی که در هر دوره به طبقه‌های کم‌درآمد اختصاص می‌یابد، در اثر تبدیل به کالای بادوام، درون همان طبقه جاری شود و به طبقه دیگر منتقل نشود. اما صندوق معاونت قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد اثر عمودی دارد. زیرا، در این نهاد افراد با دهک‌های بالا بخشی از مال خود را جدا کرده و به افراد در دهک‌های پایین اختصاص می‌دهند. با چنین نگرشی می‌توان گفت که در نهاد قرض، چه به‌صورت تعاون و چه در قالب معاونت، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج‌کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند وقتی در تحقق عدالت اجتماعی اثرهای مثبت خواهد داشت که با کشش‌پذیری عرضه قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، درباره کالاهای ضرور همراه باشد، و گرنه با بالارفتن تقاضا برای این کالاها، سطح قیمت‌ها فزونی یافته و اثرهای توزیعی قرض خنثا می‌شود.

درباره رابطه بین ارزش افزوده قرض‌الحسنه و توزیع درآمد در داخل یا خارج از کشور مقاله‌ای مشاهده نشده است. اما در هر یک از موردهای پیش‌گفته تحقیق‌هایی به‌صورت جداگانه منتشر شده است، که در دو زیربخش جداگانه به آنها اشاره می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع توزیع درآمد

سرال (Saral, 1997) با استفاده از اطلاعات ٤٥ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته به بررسی ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ رشد GDP، بهبود در دوره تجارت (Improvement in Term of Trade)، سطح نرخ واقعی ارز، تغییر در نرخ ارز واقعی، نسبت سرمایه‌گذاری به قیمت‌ها، وضعیت خارجی (External Position) ، نرخ سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولتی یا سطح تورم، بی‌ثباتی تورم و تغییر در تورم) با توزیع درآمد پرداخت. نتیجه‌های حاصل از روش حداقل مربعات وزنی WLS (Weighted Least Square) نشان داد که سطح تورم، بی‌ثباتی تورم، تغییر در تورم، مصرف‌های عمومی (در مقایسه با

مصرف‌های خصوصی)، وضعیت خارجی، سطح نرخ ارز واقعی (قیمت‌های نسبی نسبت به ایالات متحده امریکا)، نسبت سرمایه‌گذاری به قیمت‌های مصرف‌کنندگان بر توزیع درآمد معنادار نبوده است. در برابر، نرخ رشد و نرخ سرمایه‌گذاری به کاهش نابرابری انجامیده است.

بیون (Biewen, 2000) با استفاده از اطلاعات مقطعی درآمد مرکز اطلاعات اقتصادی ـ اجتماعی آلمان (GSOEP)* شاخص‌های گوناگون نابرابری را برای سه زیرمجموعه (Sub-Samples) از جمعیت آلمان برآورده است. زیرمجموعه‌های مورد مطالعه، جمعیت مقیم آلمان غربی (شامل خارجی‌ها نیز است) برای سال‌های ۱۹۸٤ ـ ۱۹۹٦، جمعیت مقیم آلمان شرقی برای سال‌های ۱۹۹۰ ـ ۱۹۹٦ و تمام جمعیت آلمان برای سال‌های ۱۹۹۰ ــ ۱۹۹٦ بوده است. نتیجه‌های تجربی، ثبات نسبی توزیع درآمد آلمان غربی را تایید کرده است. نابرابری در آلمان شرقی پس از ادغام آلمان شرقی و غربی افزایش یافته است. در واقع این افزایش نابرابری به علت بالا بودن، نابرابری در قسمت غربی کشور بوده است. سطح نابرابری آلمان در سال ۱۹۹٦ کمتر از ۱۹۹۰ بوده است.

ابونوری و مک کلاهان (Abounoori and Mac Cloughan, 2000) با استفاده از ریز داده‌های ارائه‌شده از طرف بانک جهانی، نابرابری اقتصادی کشورهای ارمنستان، بلغارستان، استونی، لهستان، گرجستان، لاتیوا، روسیه و اسلواکی را با روش پارامتریکی و ناپارامتریکی برآورد کردند.

بهاتچاریا (Bhatlacharya, 2000) چگونگی اثرگذاری سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد را تجزیه و تحلیل کرده است. وی به این نتیجه رسید که تورم بر توزیع درآمد اثر دارد. کشورهایی که از درآمد مالیات تورمی (Inflation Tax) استفاده می‌کنند، در مقایسه با دیگر کشورها از عرضه‌کنندگان وجوه قابل وام‌دادن می‌کاهند، سطح فعالیت واقعی اقتصاد را در بلندمدت می‌افزایند و از سطح نابرابری درآمدی هم می‌کاهند.

سمیدینگ (Smeeding, 2005) روند نابرابری اقتصادی را در کشورهای صنعتی و عضو OECD مقایسه کرده است. اگرچه افزایش در درآمد کل خانوارهای امریکایی در سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۰۲ از دیگر کشورها بالاتر بوده است، اما امریکا بالاترین سطح نابرابری اقتصادی

*. German Socio- Economic.

را در بین کشورهای ثروتمند OECD در شروع قرن اخیر داشته است. وی پی برد که، اثر سیاست‌های دولتی و هزینه‌های اجتماعی دولت بر نابرابری در امریکا، کمتر از کشورهای دیگر بوده است و هزینه دستمزد پایین اثر فراوان در توزیع درآمد نهایی داشته است.

البناسی (Albanesi, 2005) با استفاده از شواهد بین کشوری، ارتباط بین تورم و نابرابری را مطالعه کرد. وی با استفاده از یک مدل اقتصاد سیاسی نشان داد که تورم با درجه نابرابری درآمد ارتباط مثبت دارد و به خانوارهای با درآمد پایین آسیب می‌رساند.

ایسلند، کنورسی و اسکوپیستی (Iceland, Kenworthy and Scopilliti, 2005) به آزمون اثر عملکرد اقتصاد کلان بر فقر در ایالات متحده امریکا پرداختند. برای این منظور از اطلاعات بین ایالتی (Cross - State)، بیکاری، اشتغال، تولید و فقر مطلق (Absolute Poverty) و نسبی (Relative Poverty) در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ استفاده شد. نتیجه‌های پژوهش آنها نشان داد که، اشتغال اثر مهمی در کاهش فقر مطلق و نسبی داشته است. این اثر به‌علت افزایش ساعت کار و دستمزد خانوارهای کم‌درآمد بوده است. در برابر، بیکاری اثر قابل‌توجهی بر فقر داشته است. مانند اشتغال، رشد سرانه تولیدهای ایالتی با افزایش ساعت کار و سطح حداقل دستمزد (Low and Wage Levels)، اثر اندکی بر فقر نسبی داشته است.

فیرریبال، لایت و لیت چفیلد (۲۰۰٦) اشاره دارند که ضریب جینی برزیل در سال ۱۹۸۹ به ۰/٦۳ رسید و سپس در سال ۲۰۰٤ به ۰/٥٦ کاهش یافت. این کاهش نابرابری، رتبه برزیل را در نابرابری جهانی از دومین کشور در سال ۱۹۸۹ به دهمین کشور در سال ۲۰۰٤ ارتقا داده است. فقر نیز در ربع قرن گذشته به شکل U واژگون بوده است. فقر از ۰/ ۳۱ در سال ۱۹۸۱ به ۰/۳۳ در سال ۱۹۹۳ رسید و سپس به ۰/۲۲ در سال ۲۰۰٤ کاهش یافت. آنها با استفاده از تکنیک‌های تجزیه استاندارد (Standard Decomposition) به بررسی افت‌وخیزهای (Rise and Fall) نابرابری و عامل‌هایی موثر بر توزیع درآمد برزیل در دوره ۱۹۸۱ ـ ۲۰۰٤ پرداختند. نتیجه‌های پژوهش آنها از آن حاکی است که، افزایش نابرابری در دهه ۱۹۸۰، به‌علت رشد سریع تورم و بهره‌مندی گروه‌های بالای درآمدی از آموزش و پرورش بوده است. کاهش نابرابری از سال ۱۹۹۳ به‌علت کاهش تورم بوده است.

مروری بر ادبیات قرض‌الحسنه

حبیبیان‌نقیبی (۱۳۸۱) به تبیین اجمالی نهاد قرض‌الحسنه پرداخت و با اشاره به مفهوم و جایگاه قرض‌الحسنه، اثر آن بر متغیرهای مهم اقتصادی و نقش دولت در این رفتار پسندیده را، در جست‌وجوی بررسی میزان کارایی و قابلیت استفاده از این نهاد در راهبردهای توسعه اقتصادی مطالعه کرد. از این‌رو با مقایسه مفهوم‌های رشد و توسعه و تبیین راهبردهای توسعه اقتصادی، رابطه قرض‌الحسنه و راهبردهای پیش‌گفته را بررسی کرده و در پایان نشان داده که بین نهاد قرض‌الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد، به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، هماهنگی و سازگاری ویژه‌ای وجود دارد.

عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) در بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران نشان دادند، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته و طی چند سال اخیر در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است؛ علت آن را به‌طور عمده در کاهش ارزش مداوم سپرده‌های بانکی در اثر تورم و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جهت کسب سود (حفظ ارزش سپرده) دانسته‌اند. از سویی سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات پرداختی نظام بانکی به‌طور میانگین ٦ درصد بوده است. به‌عبارت روشن‌تر، نظام بانکی کشور طی سال‌های مورد بررسی با احتساب ذخیره‌های قانونی به‌طور میانگین حدود ٦٠ درصد، سپرده‌های قرض‌الحسنه را صرف پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه کرده است. یکی دیگر از علل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی، رونق‌گرفتن صندوق‌های قرض‌الحسنه ارزیابی شده است به‌طوری که این صندوق‌ها کامیاب شده‌اند معادل ٦٠ درصد ارزش سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی را طی این سال‌ها تجهیز کنند.

جمع‌آوری، سازمان‌دهی و داده‌ها

قرض‌الحسنه یکی از راه‌های تحقق هدف‌های بندهای ۲ و ۹ اصل ٤٣ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند از راه رفع احتیاج‌های اشخاص حقیقی مانند اشتغال‌زایی برای بیکاران جویای کار، هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیل فرزندان، کمک برای ساختن مسکن و دیگر نیازهای ضرور زندگی، مفید واقع شود.

در بررسی توزیع درآمد شخصی نظریه‌های متعددی شکل گرفته است (ابونوری، ۱۳۷٦). این نظریه‌ها را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد:

أ. نظریه‌های افرادی که با این باور که فرد و اجتماع با آزادی در انتخاب، سرنوشت خود را می‌سازند و جامعه وضعیت نسبی درآمد اعضا را بنا می‌نهد. نظریه‌های پژوهش‌گرانی مانند کوزنتس (Kuznets, 1995)، توبین (Tobin, 1970) و تین برگن (Tinbergen, 1975) در این گروه جای دارند.

ب. گروه دوم بر این باورند که سرنوشت هر فرد در اجتماع از پیش تعیین‌شده و نابرابری‌های فردی و اجتماعی از پیش رقم خورده است. در میان طرفداران نظریه جبری سه گروه متمایز دیده می‌شوند. دسته نخست کسانی هستند که علت نابرابری‌ها را در تفاوت توانایی‌های ناشی از مسایل ژنتیکی می‌دانند مانند کارتر (Curter, 1976). دسته دوم کسانی‌که نابرابری‌ها را پدیده اتفاقی و تصادفی می‌دانند و دسته سوم، افرادی هستند که بخش عمده‌ای از نابرابری درآمد را معلول اثر سن بر توانایی کسب درآمد دانسته و نابرابری در هر مقطع زمانی را اجتناب‌ناپذیر می‌پندارند.

برای برآورد شاخص نابرابری می‌توان از ضریب جینی استفاده کرد، ضریب جینی از جمله شاخص‌های نابرابری متناظر با منحنی لورنز است. این شاخص نخستین‌بار به‌وسیله جینی آماردان و جمعیت‌شناس ایتالیایی، در سال ۱۹۱۲مطرح شده است و تاکنون متداول‌ترین شاخص مورد استفاده در بررسی توزیع درآمد بوده است. ابونوری و اسناوندی (۱۳۸۲) ویژگی‌های اساسی شاخص‌های نابرابری را بررسی کرده‌اند، ضریب جینی به‌صورت ذیل قابل برآورد است:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^{n} (X_i - X_{i-1})(Y_i - Y_{i-1})$$

که در آن X_i و y_i به ترتیب، فراوانی نسبی تجمعی خانوار و فراوانی نسبی تجمعی هزینه (درآمد) خانوار است. برای برآورد اثر ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی

(قرض‌الحسنه) بر روی شاخص نابرابری (ضریب جینی) به تفکیک استان‌ها می‌توان از گزارش‌های بررسی بودجه خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در دوره ۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۱ استفاده کرد. به‌طور معمول در کشورهای در حال توسعه مناطق شهری و روستایی از نظر عامل‌هایی مانند هزینه زندگی، بُعد خانوار، انسان‌دوستی، ایثار و صرفه‌جویی ناشی از مقیاس با هم متفاوت هستند. بر این اساس نمونه‌گیری به تفکیک مناطق شهری و روستایی انجام می‌شود. چون هدف نهایی در این تحقیق بررسی اثر ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی بر روی توزیع درآمد در ایران است، مشاهدات توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی هر یک از استان‌ها با هم ترکیب شده است. برای این کار از مطالعه ابونوری و خوشکار استفاده شده است (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸٦: ۷۸). اطلاعات مربوط به ضریب جینی استان‌ها برای سال‌های ۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۱ در جدول (۱) خلاصه شده است. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب جینی در دامنه ۰/۳۵ تا ۰/۵۵ قرار داشته است. یعنی، توزیع درآمد در ایران همیشه با نابرابری فراوان همراه بوده است.

به‌علت محدودیت در وجود داده‌های ارزش افزوده قرض‌الحسنه درباره زمانی این تحقیق، از داده‌های پانل میان استانی در دوره زمانی ۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۱ استفاده شده است. با استفاده از داده‌های پانل می‌توان اثر زمان یا مکان را بر پارامترهای ثابت (عرض از مبدا) یا پارامترهای شیب رگرسیون برآورد کرد. برآورد پارامترها با داده‌های پانل را می‌توان به‌صورت مدل‌های ذیل انجام داد:

$$Y_{it} = \alpha_1 + \sum_{k=2}^{k} \beta_k X_{kit} + v_{it}$$

که در آن، تمام ضرایب ثابت بوده و فرض بر این است که جمله اختلال قادر است تمام تفاوت‌های میان واحدهای مقطعی و زمان را توضیح دهد. این مدل به مدل ترکیبی (Pooling) موسوم است.

$$Y_{it} = \alpha_i + \sum_{k=2}^{k} \beta_k X_{kit} + v_{it}$$

در این مدل ضرایب مربوط به متغیرها (شیب‌ها) ثابت، و فقط عرض از مبدا برای واحدهای گوناگون مقطعی متفاوت است.

جدول ۱. شاخص نابرابری در استان‌های ایران

شماره	نام استان	جینی ۷۹	جینی ۱۳۸۰	جینی ۱۳۸۱
۱	آذربایجان شرقی	۰/٤	۰/۳۹	۰/٤۸
۲	آذربایجان غربی	۰/۳۹	۰/۳۳	۰/٤۳
۳	اردبیل	۰/٤٦	۰/۳٥	۰/٤۳
٤	اصفهان	۰/٤٥	۰/٤۹	۰/٤
٥	ایلام	۰/۳۸	۰/٤۱	۰/٤٤
٦	بوشهر	۰/۳٤	۰/۳۷	۰/٤۱
۷	تهران	۰/٤	۰/٤	۰/۳۹
۸	چهارمحال و بختیاری	۰/۳٦	۰/۳٥	۰/۲۹
۹	خراسان	۰/٤۳	۰/۳۸	۰/٥
۱۰	خوزستان	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۳
۱۱	زنجان	۰/٤۷	۰/٤۸	۰/٤۹
۱۲	سمنان	۰/۳۳	۰/۲٥	۰/۳۹
۱۳	سیستان و بلوچستان	۰/۳۱	۰/٥۱	۰/٤۸
۱٤	فارس	۰/٤۲	۰/٤	۰/۳۸
۱٥	قزوین	۰/٤۲	۰/۳۸	۰/۳۳
۱٦	قم	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۳۸
۱۷	کردستان	۰/۲٥	۰/۳۲	۰/٤
۱۸	کرمان	۰/٤۸	۰/۳۸	۰/٤۷
۱۹	کرمانشاه	۰/۳۲	۰/٤٥	۰/٤٥
۲۰	کهکیلویه و بویرحمد	۰/٤۸	۰/۳۳	۰/٤۳
۲۱	گلستان	۰/٥۲	۰/٥٤	۰/٤۸
۲۲	گیلان	۰/٤٥	۰/٤٦	۰/٤۱
۲۳	لرستان	۰/۳۸	۰/٤۱	۰/٤
۲٤	مازندران	۰/٤۱	۰/٤	۰/٤
۲٥	مرکزی	۰/٤۲	۰/٤۷	۰/٤۳
۲٦	هرمزگان	۰/۲٥	۰/۳۲	۰/۳٦
۲۷	همدان	۰/۳۹	۰/٤۲	۰/٤۳
۲۸	یزد	۰/۳٥	۰/۳۹	۰/٤۸

منبع: (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸٦: ۷۸).

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=2}^{k} \beta_k X_{kit} + v_{it}$$

در این مدل ضرایب مربوط به متغیرها (شیب‌ها) ثابت است و فقط عـرض از مبـدا در زمان‌ها و واحدهای گوناگون مقطعی تغییر می‌کند.

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=2}^{k} \beta_{ki} X_{kit} + v_{it}$$

در این الگو ضرایب متغیرهای مستقل (شیب‌ها) و هم عرض از مبدا برای واحدهای مقطعی متفاوت است.

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=2}^{k} \beta_{kit} X_{kit} + v_{it}$$

تمام ضرایب در این مدل هم نسبت به زمان و هم نسبت به واحدهای مقطعی متفاوت است.

طبق جاج، گریفیس، هیل، لولکپوچ و لـی (Judge, Griffiths, Hill, Lulkepoh and Lee, 1983) در حالت‌های دو، سه و چهار که حالت‌های داده‌های پانلی هستند، بسته به اینکه کدام‌یـک از ضرایب ثابت (غیرتصادفی) یا تصادفی باشند، مدل‌های اثرهای ثابت (Fixed Effect) یـا اثرهای تصادفی (Random Effect) نامیده می‌شوند.

برای انتخاب بین مدل پولینگ و اثرهای ثابـت از آزمـون F لیمـر اسـتفاده شـده اسـت. ساختار این آزمون فرضیه عبارتند از:

H_0 : پارامترهای عرض از مبدا در تمام مکان‌ها (مقاطع) برابر هستند

H_1 : پارامترهای عرض از مبدا در تمام مکان‌ها (مقاطع) برابر نیستند

آماره آزمون با استفاده از مجموع مربعات پسماند مقید (RRSS) حاصل از تخمین مدل ترکیبی OLS و مجموع مربعات پـسماند غیرمقیـد (URSS) حاصـل از بـرآورد رگرسـیون درون گروهی به‌صورت ذیل معرفی شده است:

$$F = \frac{(RRSS - URSS)/N - 1}{URSS/(NT - N - K)} \sim F_{N-1,N(T-1)-K}$$

در آزمون F فرضیه H_0 یکسان‌بودن عرض از مبـداها (روش Pooling یـا ترکیبـی) در برابر فرضیه مخالف H_1، ناهمسانی عرض از مبداها، (روش داده‌های پانلی) قرار می‌گیـرد. بنابراین، در صورت رد فرضیه H_0 روش داده‌های پانلی پذیرفته می‌شود.

برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌ها

هدف پژوهش حاضر ارزیابی اثرهای فعالیت‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه بر نابرابری توزیع درآمد به تفکیک استان‌هاست. برای این منظور با استفاده از داده‌های ترکیبی بین اسـتانی اثرهـای ارزش افـزوده

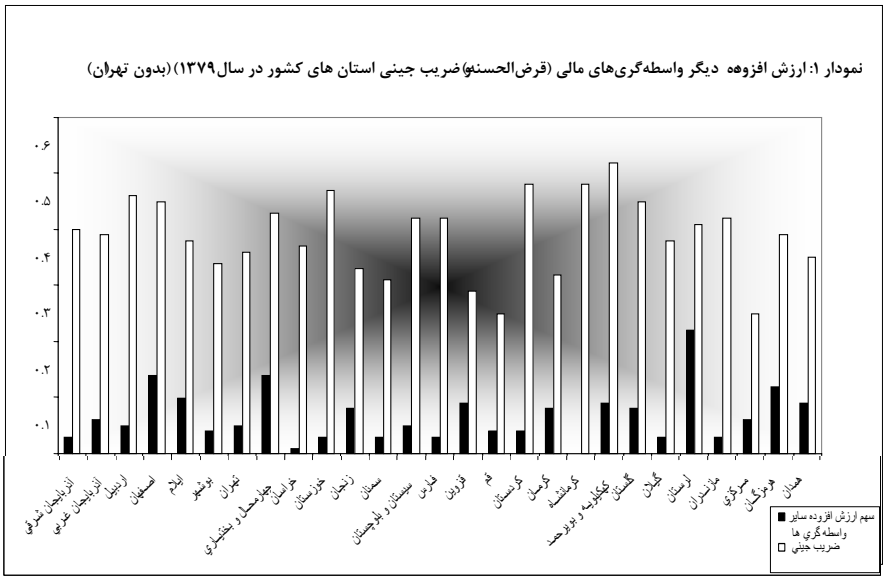
دیگر واسطه‌گری‌های مالی (قرض‌الحسنه) بر شاخص نابرابری اقتصادی استان‌ها و کاربرد الگوی ترکیبی برآورد شده است. اطلاعات مربوط به سهم ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی (قـرض‌الحـسنه) و تولید ناخالص داخلی هر استان برای سال‌های ۱۳۷۹ـ۱۳۸۱ در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲. محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده واسطه‌گری‌های مالی استان‌ها (ارقام به میلیارد ریال)

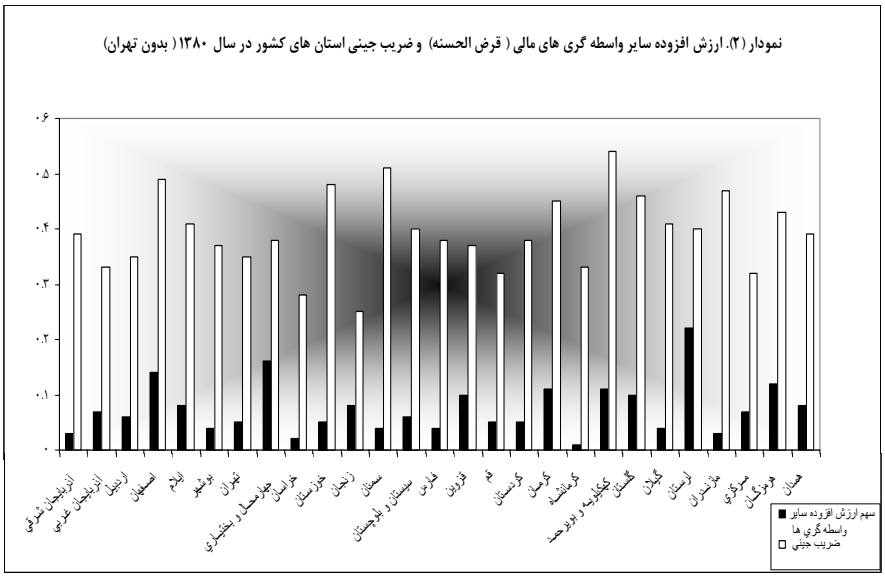
نام استان	۱۳۷۹		۱۳۸۰		۱۳۸۱	
	تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌ها	تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌ها	تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌ها
آذربایجانشرقی	۲۶۳۶۳/۳	۷۹۰/۸۹۹	۳۰۲۸۷/۲	۹۰۸/۶۱۶	۳۹۳۷۷/۸	1181/334
آذربایجانغربی	۱۴۴۹۵/۲	۸۶۹/۷۱۲	۱۶۲۴/۳	۱۱۳/۷۰۱	۲۰۴۵۲/۵	2045/25
اردبیل	۶۸۷۸/۸	۳۴۳/۹۴	۷۸۸۴	۴۳۷/۰۴	۱۰۲۴۵/۷	512/285
اصفهان	۴۰۱۹۴/۹	۵۶۲۷/۲۸۶	۴۵۴۰۹	۶۳۵۷/۲۶	۵۷۶۵۲/۶	8647/89
ایلام	۳۹۶۶/۷	۳۹۶/۶۷	۵۶۶۷/۱	۴۵۳/۳۶۸	۷۸۴۹	566/71
بوشهر	۷۰۷۹/۲	۲۸۳/۶۸	۹۵۰۱/۲	۳۸۰/۰۴۸	۱۵۰۳۸/۵	451/155
تهران	۱۵۵۷۹۳	۳۴۱۱۸۶/۶۷	۱۹۳۳۷۴/۳	۴۵۴۴۲۹/۶	۲۵۵۳۴۹/۷	600071/8
چهارمحال و بختیاری	۴۰۶۶	۲۰۳/۳	۴۹۸۵/۲	۲۴۹/۲۶	۶۱۸۳/۵	432/845
خراسان	۴۰۲۸۳/۱	۵۶۳۹/۶۳۴	۴۷۲۵۲/۲	۷۶۵۰/۳۵۲	۵۹۹۲۸/۲	359/692
خوزستان	۹۰۱۳۳	۹۰۱/۳۳	۹۶۴۵۰/۸	۱۹۲۹/۰۱۶	۱۴۰۸۳۹/۸	496/752
زنجان	۵۹۰۰	۱۷۷	۶۳۱۴/۸	۳۱۵/۷۴	۸۲۷۹/۲	496/752
سمنان	۴۸۱۸/۹	۳۸۵/۵۱۲	۵۷۹۹/۹	۴۶۳/۹۹۲	۷۱۸۷/۴	718/74
سیستان و بلوچستان	۷۲۹۴/۷	۲۱۸/۸۴۱	۸۷۳۹/۷	۳۴۹/۵۸۸	۱۱۰۷۲/۵	664/35
فارس	۲۷۳۷۰/۷	۱۳۸۶/۵۳۵	۳۲۲۲۳/۹	۱۹۳۳/۴۳۴	۴۳۲۲۷/۱	30252/897
قزوین	۱۰۵۵۷/۸	۳۱۶/۷۳۴	۱۲۳۳۹/۴	۴۹۳/۵۷۶	۱۴۲۱۶/۱	855/666
قم	۶۷۶۵/۵	۶۰۸/۸۹۵	۸۱۳۶/۴	۸۱۳/۶۴	۱۰۰۸۲/۷	1209/924
کردستان	۴۶۳۱/۶	۱۸۵/۲۶۴	۷۲۰۳/۱	۳۶۰/۱۵۵	۹۸۵۲/۸	591/168
کرمان	۲۱۰۱۰/۶	۸۴۰/۴۲۴	۲۰۳۰۰	۱۰۱۵	۲۵۳۰۹/۹	995/127
کرمانشاه	۸۹۹۹/۸	۷۱۹/۹۸۴	۱۰۷۲۱/۲	۱۱۷۹/۳۳۲	۱۴۳۵۵/۹	4302/683
کهکیلویه و بویرحمد	۳۲۵۹۴/۹	۰	۳۰۷۳۱/۴	۳۰۷/۳۱۴	۳۶۸۳۵	143/559
گلستان	۹۳۷۷/۳	۸۴۳/۹۵۷	۱۰۴۶۵	۱۱۵۱/۱۵	۱۴۲۰۶/۹	4788/55
گیلان	۱۶۰۷۹/۶	۱۲۸۶/۳۶۸	۱۸۵۴۸	۱۸۵۴/۸	۲۳۷۷۷/۵	2615/525
لرستان	۸۸۸۵/۹	۲۶۶/۵۷۷	۱۰۴۶۵/۶	۴۱۸/۶۲۴	۱۲۵۵۰/۶	753/036
مازندران	۲۳۳۳۵/۵	۵۱۳۳/۸۱	۲۷۵۴۱/۳	۶۰۵۹/۰۸۶	۳۵۳۲۲/۹	8830/725
مرکزی	۱۴۷۲۴/۶	۴۴۱/۷۳۸	۱۹۱۸۱/۷	۵۷۵/۴۵۱	۲۳۳۷۰/۱	934/804
هرمزگان	۱۱۷۱۲/۴	۷۰۲/۷۴۴	۱۴۶۲۹/۵	۱۰۲۴/۰۶۵	۱۷۶۴۲/۱	1587/789
همدان	۹۳۶۳/۵	۱۱۲۳/۶۲	۱۱۵۴۳/۳	۱۳۸۵/۱۹۶	۱۵۷۹۹/۷	1895/964
یزد	۷۵۴۴/۵	۶۷۹	۹۵۱۱	۷۶۰/۸۸	۱۲۱۴۰/۲	1092/618
کل کشور	۶۴۵۲۵۵/۷	۳۷۴۲۴۸/۳	۷۴۵۵۳۵/۳	۴۹۲۰۵۳/۳	۹۸۶۲۶۸/۶	653504l6

منبع: مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)، حساب‌های منطقه‌ای استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۷۹ـ۱۳۸۱.

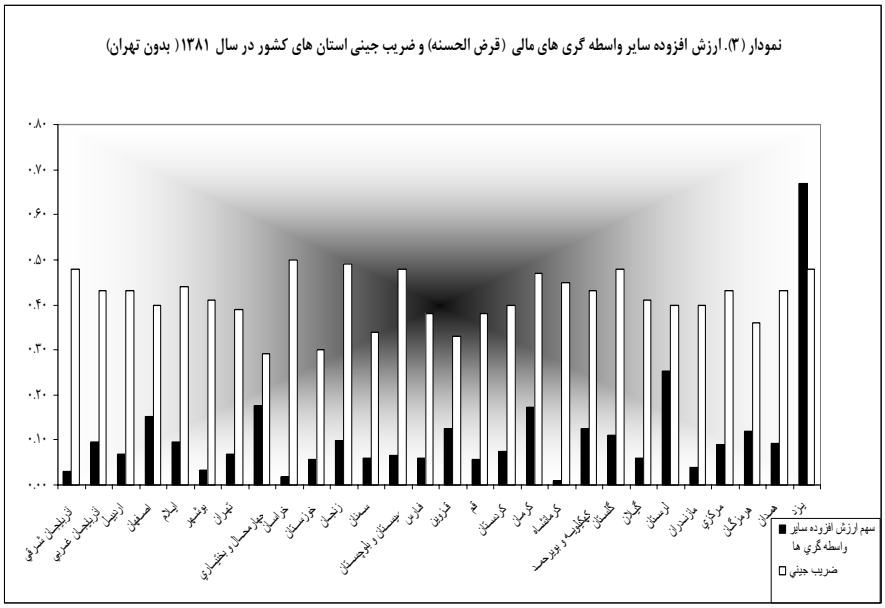
در نمودار ۱، ۲ و ۳، سهم ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی (قرض‌الحسنه) در تولید ناخالص داخلی استان و ضریب جینی استان‌های گوناگون کشور از سال ۱۳۷۹ـ۱۳۸۱ نشان داده شده است. سهم ارزش افزوده دیگر واسطه‌گری‌های مالی (قرض‌الحسنه) در سال ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ در کل کشور به ترتیب معادل ۰/۵۸ درصد، ٦٦/ درصد و ۰/٦۷ درصد بوده است.



منبع: با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۱ و ۲ رسم شده است.



منبع: با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۱ و ۲ رسم شده است.



منبع: با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۱ و ۲ رسم شده است.

برای برآورد مدل مطابق با روش دادگان پانل، دو نوع مدل پیشنهاد شده است: مدل نخست شامل استان تهران است اما در مدل دوم استان تهران حذف شده است. علت حذف این استان ارزش افزوده بالای واسطه‌گری‌های مالی (قرض‌الحسنه) در آن بوده است که با دیگر استان‌ها تفاوت چشمگیری دارد.

ابتدا برای مشخص‌کردن نوع تخمین مدل از آزمون لیمر استفاده شده است. آماره F لیمر برابر۰/۰۳۷ به‌دست آمد. در نتیجه، فرضیه H_0 یعنی آزمون فرض یکسان‌بودن عرض از مبداها رد نشده است. بنابراین، از روش ترکیبی برای برآورد مدل استفاده شده است. مقدار مربع R برابر ۰/۵۱ و آماره دوربین- واتسون ۲/۱ برآورد شده است.

شاخص نابرابری در استان‌های اردبیل، خراسان، فارس، قزوین و کرمانشاه منفی اما در استان‌های همدان و کرمانشاه مثبت و همه آنها از نظر آماری معنادار نبوده‌اند. افزایش عملکرد قرض‌الحسنه طی سال‌های ۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۱ در استان‌های زنجان، گلستان، گیلان و مرکزی، باعث افزایش ضریب جینی شده است. در مجموع، نتیجه‌های مدل نشان می‌دهد

که عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه در بیشتر استان‌های کشور، با فرض ثابت‌بودن دیگر عامل‌ها، باعث کاهش نابرابری درآمد در استان‌ها شده است. از آن جمله، عملکرد فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه به کاهش نابرابری درآمد در استان تهران انجامیده است.

در مدل دوم برای بررسی اثرهای ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر روی نابرابری توزیع درآمد، استان تهران به‌علت تفاوت فراوان ارزش افزوده آن با دیگر استان‌ها حذف شده است. نتیجه‌های حاصل از برآورد مدل اثرهای ثابت که براساس F لیمر انتخاب شده است، حاکی از آن است که به استثنای افزایش معنادار ضریب جینی در استان‌های گیلان و مرکزی، در دیگر استان‌ها عملکرد بخش صندوق‌های قرض‌الحسنه باعث کاهش نابرابری توزیع درآمد شده است ضریب‌های به‌دست آمده در استان‌های اردبیل، خراسان، فارس، قزوین، کردستان و کرمانشاه منفی اما در استان‌های همدان، کرمان و سیستان و بلوچستان مثبت و در همه این موردها بی‌معنا بوده‌اند. عامل‌های فراوانی در افزایش نابرابری در استان‌های اشاره شده موثر بوده است، که نیازمند تحقیق‌های مستقل است. به هرحال، کاهش مداوم ارزش سپرده‌های بانکی در اثر تورم نسبی بالا در برخی از استان‌ها مانند گیلان و مرکزی و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جهت کسب سود (یا حفظ ارزش سپرده)، ممکن است سبب نابسامانی‌هایی مانند انحراف از هدف‌های قرض‌الحسنه، پرداختن به امور اعتباری و پولی، سرمایه‌گذاری و تخلف‌های مالی شده باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نهاد قرض‌الحسنه رفتاری اقتصادی برگرفته از حاکمیت ارزش‌های اسلامی با حس نوع‌دوستی است که می‌تواند باعث انتقال اختیاری هزینه فرصت استفاده از وجوه از طبقه‌های پردرآمد به طبقه‌های کم‌درآمد و در نتیجه باعث کاهش نابرابری (هرچند ناچیز) در توزیع درآمدها در جامعه شود. فارغ از رویکردهای فلسفی و سیاسی، توزیع درآمد و نابرابری یک مسئله اقتصادی است. وضعیت اقتصادی و عملکرد اقتصاد کلان نقش قابل توجه‌ای در ساختار توزیع درآمد یک جامعه در

جایگاه یکی از جنبه‌های نمایان عدالت دارد. در این پژوهش اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران به تفکیک ۲۷ استان برآورد شده است. بر پایه نتیجه‌های به‌دست آمده از شواهد موجود، قرض‌الحسنه، با فرض ثابت‌ماندن دیگر عامل‌ها، باعث کاهش نابرابری اقتصادی در اکثر استان‌های کشور شده است. افزایش عملکرد قرض‌الحسنه در ۱۹ استان بر نابرابری اثر کاهشی داشته است که در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، قم، کردستان، کهکیلویه و بویراحمد، لرستان، مازندران، هرمزگان، یزد و همچنین استان تهران از نظر آماری معنادار بوده است. در برابر، افزایش عملکرد قرض‌الحسنه در ۸ استان بر نابرابری اثر افزایشی داشته است که این اثر فقط در استان‌های اصفهان، زنجان، گلستان، گیلان و مرکزی معنادار بوده است. بررسی علل اثر افزایشی در استان‌های پیش‌گفته نیازمند تحقیق‌های مستقل است. قرض برخلاف مالیات سبب انتقال اختیارات درآمد افراد به دولت نمی‌شود. در قرض (خصوصی) وام‌دهنده به‌طور مستقیم قرض را به نیازمند می‌دهد و دولت هیچ‌گونه نقش واسطه‌ای ندارد. با توجه به اثرهای مفید صندوق‌های قرض‌الحسنه، هماهنگ‌سازی آنها در یک بانک مردمی جامع قرض‌الحسنه پیشنهاد می‌شود.

منابع و مآخذ

أ. فارسی

۱. ابونوری، اسماعیل و اسناوندی، اسماعیل، ۱۳۸٤ش، «برآورد و ارزیابی سازگاری شاخص‌های نابرابری اقتصادی با استفاده از ریزداده‌ها در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران، ش ۷۱.

۲. ابونوری، اسماعیل، ۱۳۷٦ش، «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران، ش ۵۱.

۳. ابونوری، اسماعیل، خوشکار، آرش، ۱۳۸٦ش، «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد: مطالعه بین استانی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران، ش ۷۷.

٤. امامی، سیدحسن، ۱۳۵۵ش، *قانون مدنی*، تهران: دارکتب اسلامیه.

۵. جر، خلیل، ۱۳۷٦ش، *فرهنگ لاروس*، ترجمهٔ سیدحمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر، هفتم.

٦. حبیبیان‌نقیبی، مجید، ۱۳۸۱ش، «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، *نامه مفید*، قم: دانشگاه مفید، ش ۳۱.

۷. سعدی، ابوحبیب، ۱٤۰۸ق، *قاموس الفقهی*، دمشق: چاپ و نشر دارالفکر، دوم.

۸. سیاح، احمد، ۱۳٦۵ش، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، تهران: اسلام.

۹. شادپور، کامل، ۱۳۷۲ش، «مقدمه‌ای بر دیدگاه نیازهای اساسی بشر»، *مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۰. عرب‌مازار، عباس و کیقبادی، سعید، ۱۳۸۵ش، «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکداری ایران»، *مجله اقتصاد اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱٦.

۱۱. قریشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۵۳ش، *قاموس قرآن*، تهران: دارکتب الاسلامیه.

۱۲. کانت، راجانی، ۱۳۷٤ش، *الگوهای نظری در اقتصاد توسعه*، ترجمهٔ غلام‌رضا آزاد ارمکی، تهران: نشر دیدار اول.

۱۳. کرویتس، هلموت، ۱۹۷۷م، پول، *بحران‌های اقتصادی اجتماعی (ترجمهٔ فشرده کتاب معضل پول)*، ترجمهٔ حمیدرضا شهمیرزادی، تهران: کانون اندیشه جوان.

١٤. ماتور، پی ان، ١٣٧٦ش، *معمای توسعه‌نیافتگی*، ترجمهٔ علی‌اصغر بانویی و محمدقلی یوسفی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، اول.
١٥. مرکز آمار ایران، ١٣٨٣ش، *حساب‌های منطقه‌ای استان‌های کشور*، تهران.
١٦. مصری، عبدالرئوف، ١٩٤٨م، *المحامی، معجم القرآن و هو قاموس مفردات القرآن و غریبه*، دوم.
١٧. معین، محمد، ١٣٦٠ش، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، چهارم.
١٨. هادوی‌نیا، علی‌اصغر، ١٣٧٦ش، *درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن*، رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی اکبر کمیجانی، قم: دانشگاه مفید.
١٩. ــــــــ ، ١٣٧٨ش، *قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
٢٠. هانت، دایانا، ١٣٧٦ش، *نظریه‌های اقتصادی توسعه*، ترجمهٔ غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: سالن خدمات نشر دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، اول.

ب. انگلیسی

1. Abounoori, E and P. Macloughan, 2000, "Measuring in The Gini Coefficient: An Empirical Assessment of Non-Parametric and Parametric Methods", Liverpool Research Paper in Economics, Finance and Accounting, 22.
2. Albanesi, *S*, 2005, "Inflation and Inequality", Working papers, Duke University- Reaserch, CEPRDP, 347.
3. Bhattacharya, *J*, 2003, " Monetary Policy and The Distribution of Income", Working Paper IWO State University and Center, Tilburg.
4. Biewen, *M*, 2000, "Income Inequality in Germany During The 1980s and 1990s", Review of Income and Welth, 64.
5. Cutler, D. M and L. Katz, 1991, "Macroeconomic Performance and The Disadvantaged", Brookings Papers On Economic Activity, 20.

6. Ferreira, F. H. G, P.G. Leite and J. A. Litchfield, 2006, " The Rise and Fall of Brazilian Inequality: 1981-2004", World Bank Policy Research Working Paper, 3867.
7. Iceland, J,L. Ken Worthy and M. Scopilliti, 2005, "Macro economic Performance and Poverty in The 1980 s and 1990 s: A State-Level Analysis", IRP Discussion Papers and Reprints, Also See: www.u.arizona.edu
8. Judge. G, W.Griffiths, R. Hill, H. Lutkepoh and T. Lee, 1983, "Introduction to Theory and Practice of Econometrics", Second Edition, New York, Jhon Wiley and Sons, Inc.
9. Kuznets, *S,* 1995, "Economic Growth and Income Inequality", American Economic Review, 45.

پیوست: نتایج کامپیوتری

Method: GLS (Cross Section Weights)
Date: 09/23/07 Time: 17:51
Sample: 1379 1381
Included observations: 3
Total panel (balanced) observations 81
White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.409785	0.000857	478.3700	0.0000
AZARSH--VAFSAZARSH	-1.72E-05	3.77E-06	-4.545333	0.0000
AZARGH--VAFSAZARGH	-3.36E-05	1.92E-05	-1.751738	0.0856
ARDEBIL--VAFSARDEBIL	-1.65E-06	5.87E-06	-0.280374	0.7803
ESFAHAN--VAFSESFAHAN	1.02E-05	7.84E-07	13.01002	0.0000
ELAM--VAFSELAM	-5.70E-06	1.81E-07	-31.56572	0.0000
BOSHEHR--VAFSBOSHEHR	-0.000155	2.34E-05	-6.645264	0.0000
CHARMAHAL--VAFSCHARMAHAL	-0.000247	1.20E-05	-20.55116	0.0000
KHORASAN--VAFSKHORASAN	-1.14E-06	3.68E-06	-0.310498	0.7574
KHOZESTAN--VAFSKHOZESTAN	-0.000323	6.20E-05	-5.204790	0.0000
ZANJAN--VAFSZANJAN	0.000253	3.94E-05	6.429997	0.0000
SEMNAN--VAFSSEMNAN	-0.000290	5.83E-05	-4.965085	0.0000
SISTAN--VAFSSISTAN	8.02E-05	0.000509	0.157678	0.8753
FARS--VAFSFARS	-1.03E-06	2.11E-06	-0.490310	0.6259
GHAZVIN--VAFSGHAZVIN	-3.53E-05	3.49E-05	-1.011375	0.3164
GHOM--VAFSGHOM	-0.000102	5.87E-05	-1.744435	0.0869
KORDESTAN--VAFSKORDESTAN	-0.000378	0.000228	-1.658029	0.1032
KERMAN--VAFSKERMAN	1.72E-05	5.65E-05	0.304926	0.7616
KERMANSHAH--VAFSKERMANSHAH	-8.49E-06	7.28E-05	-0.116576	0.9076
KOHKILOYEH--VAFSKOHKILOYEH	-0.000259	3.06E-06	-84.44557	0.0000
GOLESTAN--VAFSGOLESTAN	0.000120	6.19E-06	19.36908	0.0000
GILAN--VAFSGILAN	2.84E-05	5.39E-07	52.77060	0.0000

LORESTAN--VAFSLORESTAN	-3.22E-05	1.42E-05	-2.258814	0.0280
MAZANDARAN--VAFSMAZANDARAN	-9.36E-07	1.88E-07	-4.970646	0.0000
MARKAZY--VAFSMARKAZY	7.48E-05	1.44E-05	5.192908	0.0000
HORMOZGAN--VAFSHORMOZGAN	-0.000133	6.37E-05	-2.086889	0.0417
HAMEDAN--VAFSHAMEDAN	1.93E-06	5.83E-06	0.331408	0.7416
YAZD--VAFSYAZD	-5.28E-05	2.58E-05	-2.042031	0.0461

Weighted Statistics

R-squared	0.999011	Mean dependent var	0.898975
Adjusted R-squared	0.998508	S.D. dependent var	1.462499
S.E. of regression	0.056496	Sum squared resid	0.169167
F-statistic	1983.568	Durbin-Watson stat	2.351999
Prob(F-statistic)	0.000000		

Unweighted Statistics

R-squared	0.508819	Mean dependent var	0.399753
Adjusted R-squared	0.258594	S.D. dependent var	0.065707
S.E. of regression	0.056577	Sum squared resid	0.169652
Durbin-Watson stat	2.282181		

Dependent Variable: GINI?
Method: GLS (Cross Section Weights)
Date: 09/23/07 Time: 17:33
Sample: 1379 1381
Included observations: 3
Total panel (balanced) observations 84
White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.408968	0.000852	479.7375	0.0000
AZARSH--VAFSAZARSH	-1.62E-05	3.92E-06	-4.131291	0.0001
AZARGH--VAFSAZARGH	-3.26E-05	1.92E-05	-1.693359	0.0960
ARDEBIL--VAFSARDEBIL	-1.54E-06	6.00E-06	-0.256121	0.7988
ESFAHAN--VAFSESFAHAN	1.03E-05	7.84E-07	13.18259	0.0000
ELAM--VAFSELAM	-5.54E-06	1.83E-07	-30.29977	0.0000
BOSHEHR--VAFSBOSHEHR	-0.000153	2.35E-05	-6.494417	0.0000
TEHRAN--VAFSTEHRAN	-2.24E-08	2.21E-09	-10.16262	0.0000
CHARMAHAL--VAFSCHARMAHAL	-0.000243	1.19E-05	-20.40940	0.0000
KHORASAN--	-1.02E-06	3.79E-06	-0.269529	0.7885

VAFSKHORASAN				
KHOZESTAN--VAFSKHOZESTAN	-0.000320	6.38E-05	-5.008210	0.0000
ZANJAN--VAFSZANJAN	0.000256	4.11E-05	6.241681	0.0000
SEMNAN--VAFSSEMNAN	-0.000288	5.91E-05	-4.869715	0.0000
SISTAN--VAFSSISTAN	8.30E-05	0.000517	0.160614	0.8730
FARS--VAFSFARS	-5.49E-07	2.14E-06	-0.256681	0.7984
GHAZVIN--VAFSGHAZVIN	-3.33E-05	3.56E-05	-0.936654	0.3530
GHOM--VAFSGHOM	-0.000101	5.92E-05	-1.708691	0.0931
KORDESTAN--VAFSKORDESTAN	-0.000375	0.000230	-1.630072	0.1088
KERMAN--VAFSKERMAN	1.81E-05	5.78E-05	0.313173	0.7553
KERMANSHAH--VAFSKERMANSHAH	-7.67E-06	7.39E-05	-0.103799	0.9177
KOHKILOYEH--VAFSKOHKILOYEH	-0.000256	3.09E-06	-82.88753	0.0000
GOLESTAN--VAFSGOLESTAN	0.000121	6.44E-06	18.72743	0.0000
GILAN--VAFSGILAN	2.89E-05	5.37E-07	53.88100	0.0000
LORESTAN--VAFSLORESTAN	-2.99E-05	1.41E-05	-2.116730	0.0388
MAZANDARAN--VAFSMAZANDARAN	-7.90E-07	1.87E-07	-4.222725	0.0001
MARKAZY--VAFSMARKAZY	7.64E-05	1.47E-05	5.206671	0.0000
HORMOZGAN--VAFSHORMOZGAN	-0.000132	6.42E-05	-2.054135	0.0447
HAMEDAN--VAFSHAMEDAN	2.58E-06	5.95E-06	0.433668	0.6662
YAZD--VAFSYAZD	-5.16E-05	2.64E-05	-1.954505	0.0557
Weighted Statistics				
R-squared	0.998998	Mean dependent var		0.912214
Adjusted R-squared	0.998488	S.D. dependent var		1.427213
S.E. of regression	0.055503	Sum squared resid		0.169431
F-statistic	1958.087	Durbin-Watson stat		2.340350
Prob(F-statistic)	0.000000			
Unweighted Statistics				
R-squared	0.507713	Mean dependent var		0.399643
Adjusted R-squared	0.257095	S.D. dependent var		0.064518
S.E. of regression	0.055609	Sum squared resid		0.170080
Durbin-Watson stat	2.277115			